

فرهنگ مقاومت و فرایند مهندسی آن در جامعه

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم*

- حسین شاهبازپور^۱
- زهره اخوان مقدم^۲
- مهدی محمودی^۳

چکیده

مقاومت از جمله ارزش‌های بنیادین قرآنی در مسیر پیشرفت جامعه اسلامی و شکل‌دهی تمدن اسلامی است که به معنای ایستادگی و پایداری در برابر چیزی است که توازن را در ابعاد داخلی و خارجی بر هم زده باشد. شکل‌گیری این ارزش در جامعه به عنوان یکی از شیوه‌های الگوی مرسوم زیست انسانی در عرصه‌های حیات انسانی، به طوری که بتوان نمود آن را در مجموع رفتارهای اجتماعی مشاهده کرد، فرهنگ مقاومت گفته می‌شود (بیان مسئله). دستیابی به

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران (نویسنده مسئول) (sh.quranpajoohi145@yahoo.com).
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، تهران (akhavan.mo@quran.ac.ir).
۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام (mahdim95@yahoo.com).

فرایند مهندسی این ارزش در جامعه مبتنی بر نظام اندیشه‌ای رشد‌محور قرآن کریم، هدف این نوشتار است (هدف). اکنون این سؤال مطرح است که قرآن کریم در راستای مهندسی فرهنگ مقاومت در جامعه، چه فرایندی را مطرح می‌سازد؟ (سؤال). ضرورت بررسی این مسئله با توجه به تأکید آموزه‌های دینی نسبت به این ارزش، و نیاز جوامع اسلامی خصوصاً با توجه به شرایط کنونی اسلام و نیاز به همگرایی و هماهنگی میان جبهه مقاومت روشن است (ضرورت). روش پژوهش در ترسیم فرایند مهندسی و مؤلفه‌های آن، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی است (روش). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبتنی بر اندیشه رشد‌فرآنی، فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت مبتنی بر یک خودآگاهی و هدف‌داری در فرایندی سه مرحله‌ای است که سعادت انسان و جامعه انسانی را به دنبال دارد (نتیجه).

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تمدن اسلامی، مقاومت، فرهنگ، جامعه، رفتارشناسی، خودآگاهی.

مقدمه

مقاومت از مصادیق صبر و از جمله صفات روحی است که اراده آدمی را در برابر «آنچه باید بر آن صبر نماید»، سامان می‌دهد. این صفت نفسانی تنها به متون دینی اسلام اختصاص نمی‌یابد و می‌توان نمود آن را در طول تاریخ حیات بشری در کشمکش‌ها و تقابل‌های فردی و اجتماعی جامعه بشری مشاهده کرد؛ به طوری که همواره از آن به عنوان صفتی ممتاز در حیات آدمی یاد می‌شود. ظهور و بازآرایی معنایی این فضیلت در متون مقدس اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی خاص این شریعت، بار ارزشی خاصی را به آن بخشیده است؛ به طوری که علاوه بر پاداش اخروی، آن را یکی از رموز موفقیت انسان و جوامع بشری در حیات دنیوی معرفی نموده است.

روی آوردن به چنین مسئله‌ای در این سطح از تحقیقات علمی و توجه و تلاش در راستای فرهنگ‌سازی آن در جامعه، مبتنی بر ضروریاتی چند است؛ از جمله: الف) تأکید بسیار زیاد متون دینی اسلام به خصوص آیات قرآن کریم نسبت به این مسئله؛

ب) موقعیت کنونی جایگاه و وضعیت جهان اسلام در سطوح بین‌المللی با توجه به

هجمه‌های وسیعی که در تمامی حوزه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، عقیدتی و... نسبت به آن‌ها صورت می‌گیرد؛

ج) پرچم‌داری و داعیه‌داری انقلاب اسلامی ایران برای سامان‌دهی وضعیت کنونی جهان اسلام، و در راستای آن جوامع بشری، و ضرورت توجه به مسئله مقاومت به عنوان نخستین سیاست راهبردی در پیشبرد این حرکت؛

د) عدم توجه کافی به این مسئله در تحقیقات علمی با رویکردی فرهنگی در آثار اندیشمندان اسلامی.

برخی تحقیقات انجام شده در این حوزه عبارت‌اند از: مقاله «واکاوی تهدیدات فرهنگی ماهواره‌های و تدوین راهبرد مقابله» (مخبر دزفولی و دیگران، ۱۳۹۴)؛ مقاله «انقلاب اسلامی ایران و برسازي هنجار سياسي مقاومت در روابط بين الملل» (یوستین‌چی، ۱۳۹۱)؛ مقاله «راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام» (جعفری و قربی، ۱۳۹۲)؛ مقاله «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن» (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱)؛ مقاله «طراحی الگوی مقاومت» (حمزه‌ای، جانجانی و حمزه‌ای، ۱۳۹۹).

از این رو با توجه به اینکه رویکرد کلی در تحقیقات علمی در این حوزه، بیشتر جزءنگر و مؤلفه‌محور و در برخی اوقات نگاه سیاسی صرف به این مقوله بدون ارائه الگو و فرایند عملیاتی و مهندسی این ارزش از دیدگاه قرآن کریم در جوامع بوده است، مقاله حاضر بر آن است تا با نوآوری در این عرصه با تکاپویی روشمند، منسجم و علمی، ابتدا مفهوم فرهنگ و فرایند مهندسی آن برای مقولات ارزشی در جامعه و مفهوم فرهنگ مقاومت را تبیین نموده، سپس فرایند مهندسی و شکل‌گیری آن را در جامعه با تکیه بر آموزه‌های قرآنی واکاوی علمی نماید. نوع تحقیق، بنیادی - توسعه‌ای است. روش دستیابی به این مهم از طریق توصیف و تحلیل و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری می‌باشد.

۱. تبیین و تحلیل مفهوم فرهنگ و فرایند آن

فرهنگ (culture / الثقافة)، واژه‌ای فارسی است که پیشینه‌ای بس طولانی دارد و رَد پای آن را در اکثر متون نظم و نثر فارسی می‌توان یافت. در زبان فارسی، فرهنگ

به عنوان یک واژه بسیط و نه ترکیبی، رساننده مفهوم «ادب»، «تربیت»، «معرفت»، «حکمت»، «هنر»، «عقل»، «دانش» و «بزرگی» است (حسینی پورسی سخت، ۱۳۹۰: ۲۲؛ شیرودی، ۱۳۸۶: ۱۷).

فرهنگ در زبان عربی با واژه «الثقافة» بیان می‌شود. این واژه در اصل به معنای «چوب یا آهنی که آهنگر و نیزه‌گر به وسیله آن، شیء کج را تساوی می‌بخشد»، به کار می‌رفته و سپس در معانی دیگری همچون «تیزهوشی» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۳)، «زیرکی» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۹/۹)، «پیروزی»، «اخذ کردن»، «جنگ و پیکار» (همان)، «پیدا کردن و مصادف شدن» (قرشی، ۱۳۸۶: ۳۰۶/۱) و «مهارت و دانش» (بستانی، بی‌تا: ۲۰۸) توسعه مفهومی پیدا کرده است. با دقت در معانی فوق به ویژه معنای اولیه آن به نظر می‌رسد مفهوم مشترک همه آن‌ها، معنای «برخورد کردن» باشد که بن‌مایه اصلی فرهنگ به معنای اصطلاحی است. در قرآن کریم نیز یک آیه به چشم می‌خورد که گفته شده واژه «لسان» به کاررفته در آن به معنای فرهنگ است؛ یعنی پیامبران با فرهنگ و زبان مردم زمان خود آشنا بوده و طبق فهم آنان تبلیغ می‌کردند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾ (ابراهیم / ۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۶۰/۶).

در معنای اصطلاحی فرهنگ نیز پژوهشگران و نظریه‌پردازان گوناگون، تعریف‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. از این رو در این مجال به فراخور بحث، تعریفی برابندی از دیدگاه‌های مختلف را بیان می‌داریم: «فرهنگ، نظام وحدت‌یافتهٔ بینش‌ها (ر.ک: توسلی، ۱۳۸۹: ۹۸)، شناخت‌ها، پندارها، گرایش‌ها، باورها (ر.ک: سعادت، ۱۳۸۹: ۳۷)، ارزش‌ها (ر.ک: همان: ۳۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۶۹) و هنجارهای بشری (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۸۵؛ سعادت، ۱۳۸۹: ۳۸؛ حسینی پورسی سخت، ۱۳۹۰: ۲۸) ناظر به حقوق بنیادی انسان (ر.ک: سلیمی، ۱۳۷۹: ۵۲) است که به عنوان مبنا و شیوهٔ الگوی زیست مرسوم انسانی پذیرفته شده‌اند (ر.ک: جانسون، ۱۳۷۸: ۱۲)؛ طوری که به صورت ناخودآگاه و غیر ارادی، در همهٔ عرصه‌های زندگی او جریان یافته‌اند (ر.ک: سعادت، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۱) و نتیجهٔ آن، «هویت‌یافتگی» انسان است (ر.ک: آشوری، ۱۳۸۱: ۲۵) که نمود آن را در رفتارها، گفتارها، حالات، نمادها (ر.ک: حسینی پورسی سخت، ۱۳۹۰: ۲۸) و دستاوردهای علوم و فنون و فناوری‌های اجتماعی او (ر.ک: همان: ۳۲-۳۱؛ شیرودی، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸) که در طول تاریخ در قالب یک نظام ذخیرهٔ دانش

(ر.ک: سعادت، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۹؛ نولان و لانسکی، ۱۳۸۰: ۶۹)، تحقق و سامان نهادمند یافته‌اند، می‌توان مشاهده کرد).

۲. مراحل سه‌گانه در فرایند مهندسی فرهنگ

با توجه به تعریف یادشده از فرهنگ می‌توان به سه مرحله اصیل و بنیادین در فرایند مهندسی آن، در قالب محورهای زیر اشاره کرد که این مراحل، در هر گونه فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی ضرورت دارند:

۱-۲. مرحله اول: شکل‌گیری بینش و باور

این مرحله که شامل بینش‌ها، شناخت‌ها، گرایش‌ها و باورهاست، در واقع جهان‌بینی انسان را شکل می‌دهد، که انسان به واسطه آن، خود، خداوند، جهان هستی، جامعه و تاریخ را مورد مطالعه قرار می‌دهد. انسان طی این جهان‌بینی می‌تواند معرفت کسب کند و به تبع آن، به امری گرایش پیدا کند و به آن معتقد شود. به طور کلی این مرحله، یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ‌سازی است. از این رو برخی گفته‌اند: «عقاید و باورها یا جهان‌بینی، هسته مرکزی و اتاق فرمان هر فرهنگ محسوب می‌شود» (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۷).

به تعبیری، عملکرد، رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی انسان، برخاسته از نوع نگاه و بینش و فهم درک او از امور و موضوعات است. تا زمانی که نگاه و بینش، و فهم و درک افراد اصلاح نشود، انتظار اصلاح، انتظاری دور از واقع است. بنابراین برای ایجاد تغییر و نمو عملکرد مناسب، لازم است که در درجه اول نوع نگاه انسان به خدا، انسان، جهان و جامعه اصلاح شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۴/۲۲۰).

۲-۲. مرحله دوم: زایش ارزش‌ها و هنجارها

ارزش‌ها، قراردادهای فرهنگی مشترکی هستند که درباره درستی و نادرستی کلیه فعالیت‌های زندگی، حکم صادر می‌کنند؛ یعنی ارزش‌ها نوعی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی یک پدیده، از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی است (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۶۹). بعد از باورها، ارزش‌ها مهم‌ترین عنصر فرهنگ هستند؛ چنان که

«گی‌روشه»^۱ ارزش‌ها را تشکیل‌دهنده اصلی، جوهره و خمیرمایه فرهنگ می‌داند. «کلوههن»^۲ و «استرودییک»^۳ در این رابطه می‌گویند:

«ارزش‌ها ثقل حیاتی وجود بشری را شکل می‌دهند. آن‌ها معیارهای فرهنگی ویژه‌ای هستند و توسط آن‌ها، عالی‌ترین انگیزه‌های زندگی و بلندترین آرزوها و باورهایمان را توضیح می‌دهیم» (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۷ و ۳۹؛ نظریور، ۱۳۷۸: ۷۰).

در واقع، ارزش‌ها شاخص‌هایی‌اند که بر اساس باورها، وارد زندگی فردی و اجتماعی انسان شده و ملاک درست زندگی کردن محسوب می‌شوند.

۲-۳. مرحله سوم: اقدام و عمل به عنوان نمود باورها و ارزش‌ها

این مرحله که مجموعه کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی جامعه انسانی است و در مؤلفه‌های مختلفی مانند: رفتارها، گفتارها و حالات آدمی نمود می‌یابد، در واقع بازتاب شناختی است که انسان آن را در گذر زمان از طریق جهان‌بینی خاصی کسب نموده، به آن معتقد گشته و آن را به صورت مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها پذیرفته است. به بیان دیگر، وقتی انسان نسبت به مسئله‌ای معرفت یافت و آن را باور کرد، نمود آن عقیده در رفتار یا گفتار یا حالات او، نشان از باور عمیق او نسبت به آن مسئله است. از این رو از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است:

«ایمان، معتقد بودن به قلب و اقرار کردن به زبان و عمل کردن به ارکان [اعضای بدن] است» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۹).

البته در ادامه این نمودیافتگی باورها و ارزش‌ها در رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی، مبتنی بر تعریفی که از فرهنگ ارائه شد، مراحل دیگری نیز وجود دارند، از جمله: نمادها، دستاوردهای علوم و فنون (مثل مهارت ساخت و به کارگیری وسایل زندگی) و فناوری‌های اجتماعی (مانند مدیریت و سازمان‌دهی اجتماعی) که به نظر می‌رسد جزئی از همین مرحله سوم باشد. بنابراین وقتی که کنش‌ها و رفتارهای فردی و

1. Gay Roche.
2. Klöhen.
3. Astrobotic.

اجتماعی انسان در جامعه پیرامون یک ارزش یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها در یک بازه زمانی شکل گیرد و در متن آن جامعه نهادینه شود، به طوری که نمود آن را در فناوری‌های مادی و اجتماعی نیز بتوان مشاهده کرد، فرهنگ آن ارزش یا مجموعه ارزش‌ها در آن جامعه شکل گرفته است.

با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و روش مهندسی فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله، که به تدریج و با نزول آیات الهی انجام می‌گرفت، می‌توان دریافت که به طور کلی آیات مکی بیان‌کننده جهان‌بینی اسلامی، و آیات مدنی مربوط به وضع قوانین و هنجارها بود که بیان‌کننده همان مراحل فرایند فرهنگ‌سازی در تعریف علمی آن است. از این رو در ادامه با بررسی و تحلیل مفهوم مقاومت، شکل‌گیری فرایند آن در جامعه مبتنی بر مراحل یادشده و با استناد به آیات قرآن کریم بررسی و ارائه می‌گردد.

۳. تبیین مفهوم «مقاومت» و بسامد قرآنی آن

واژه مقاومت در لغت فارسی به معنای «ایستادگی» (معین، ۱۳۶۰: ۴/۴۲۸۶)، «پایداری»، «دوام» و «استحکام» (انوری، ۱۳۸۱: ۷/۷۲۴۷)، پافشاری، برابری و مقابله (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۱۳) آمده است.

مقاومت از ریشه «قوم» به معنای «تعدیل و حفظ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۱۴۲)، «عزم و اراده» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۱)، «برخاستن»، «توقف»، «ثبوت و دوام»، «وقوع امر» (قرشی، ۱۳۷۷: ۶/۴۷) آمده است. از همین ریشه، واژه «استقامه» به معنای «عدل و اعتدال شیء» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۴۹۹) و «استواری» (بستانی، بی‌تا: ۶۳) است. علامه طباطبایی ریشه این لغت را از «قیام آدمی» می‌داند؛ زیرا انسان تنها در حال قیام است که می‌تواند بر پای خود بایستد و از هر حال دیگری بهتر تعادل خود را حفظ کند و در نتیجه، حالت قیام در تمامی شئون، معرف شخصیت آدمی است. اشتقاق دیگر این ماده که «استقامت» است، معنایش طلب قیام از هر چیز و استدعای ظاهر شدن تمامی آثار و منافع آن چیز است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۴۷).

این واژه در قرآن کریم در قالب مصدر باب «مفاعله» نیامده است؛ اما مشتقات ریشه آن (قوم) از جمله: «مستقیم»، «أقیموا»، «قوموا»، «استقم»، «استقیموا» و «استقاموا»

کاربرد دارد؛ مانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ...﴾ (فصلت / ۳۰). برخی مفسران معتقدند که مراد از «استقاموا» در این آیه، «ادامه دادن به راه حق» است (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۳۱/۹). راغب اصفهانی معتقد است که استقامت انسان به معنای «ملازم بودن انسان با طریق مستقیم» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۲).

با وجود این در قرآن کریم، بعضی از الفاظ نزدیک و هم‌معنای مقاومت هستند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- صبر و شکیبایی: خداوند در آیه‌ای می‌فرماید که اگر از میان شما بیست نفر برای جنگ، شکیبایی و استقامت داشته باشند، دویست نفر از دشمن را مغلوب می‌سازند (انفال / ۶۵؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۵۷/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۳/۹).

۲- ثبات قدم: خدای متعال مؤمنان را به ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن سفارش می‌کند و می‌فرماید که چنانچه در میدان جنگ به فوجی از دشمن برخوردید، پایداری و ایستادگی کنید (انفال / ۴۵). جمله «فایتوا» در این آیه، امر مطلق ایستادگی در برابر دشمن و فرار نکردن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۵/۹).

۳- دفاع: ﴿وَلْيُعَلِّمِ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا...﴾ (آل عمران / ۱۶۷). گفته‌اند مراد این است که به منافقان گفتند با ما همراه باشید و سیاهی لشکر ما را زیاد کنید. از اینجا معلوم می‌شود که تکثیر سیاهی و ظاهر لشکر مجاهدان اسلام نیز به منزله جهاد و نوعی مقاومت در برابر دشمن به شمار می‌رود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۷۹/۲).

۴- طاقت و تحمل: در داستان طالوت عَلَيْهِ السَّلَام، پس از آنکه طالوت و مردم از نهر گذشتند و زیادی لشکر دشمن را دیدند، گفتند: ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ﴾ (بقره / ۲۴۹)؛ یعنی همان کسانی که نافرمانی کرده بودند، گفتند که ما طاقت مقابله، مقاومت و ایستادگی در برابر لشکر جالوت را نداریم (ر.ک: همان، ۶۱۹/۲).

۵- قتال: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (بقره / ۱۹۰)؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد».

۶- جهاد: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت / ۶۹)؛ «و آن‌ها که در راه ما [با خلوص نیت] جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان خواهیم

کرد و خداوند با نیکوکاران است». «جاهدوا» به معانی مختلف از جمله اطاعت از خداوند، شکر نعمت‌ها و برّ و مقاومت در برابر بلاها آمده است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۶۸/۸).

به طور کلی می‌توان گفت که مقاومت از مصادیق صبر و همراه بودن، ثابت‌قدم بودن، پایداری و ایستادگی بر چیزی را در قالب معنایی خود گنجانده است. «ایستادگی و پایداری بر راه حق و مستقیم»، معنایی است که با تشکیل شبکه معنایی آن در آیات قرآن کریم، برای آن شکل می‌گیرد که برای پیشگیری از تکرار، مستندات آیات آن در ادامه و به صورت تفصیلی در بخش‌های بعدی خواهد آمد. از این رو مقاومت را می‌توان به معنای ایستادگی و پایداری در برابر چیزی دانست که توازن را چه از بعد داخلی و چه از بعد خارجی بر هم زده باشد (حمزه‌ای، جانجانی و حمزه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۷۶).

با توجه به آنچه در مفهوم «فرهنگ» و «مقاومت» گفته شد، «فرهنگ مقاومت» را این‌گونه تعریف می‌کنیم: شکل‌گیری ارزش مقاومت در تمامی انحاء آن به عنوان شیوه و الگوی مرسوم زیست اجتماعی به صورت ناخودآگاه و غیر ارادی در عرصه‌های مختلف حیات انسانی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و...)، به طوری که بتوان نمود آن را در رفتارها، گفتارها، حالات، نمادها و... مشاهده نمود.

۴. فرایند شکل‌گیری فرهنگ مقاومت در جامعه به منظور ایجاد

تمدن قرآنی

پس از روشن شدن معنای فرهنگ و معنای مقاومت و نیز بیان مراحل سه‌گانه لازم برای هر گونه فرهنگ‌سازی، اینک به فرایند و مراحل لازم برای تشکیل فرهنگ مقاومت در جامعه می‌پردازیم. آنچه مسلم است، قرآن کریم به تدریج در مدت ۲۳ سال و مبتنی بر اقتضانات و شرایط خاص تاریخی و منطقه‌ای نازل شده است. از طرفی قرآن کریم کتابی جاوید و برخوردار از سه جامعیت زمانی، مکانی و محتوایی است. با توجه به گستره وسیع مخاطبان آن در عصر حاضر و لزوم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی و فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی آموزه‌های آن در جامعه، نیاز به وجود

فرایندهایی برای تبدیل مواد خام آموزه‌های آن به «فرآورده»، در قالب نظریه‌ها و الگوهاست. همان طور که پیشتر گذشت، قرآن کریم به صورت کلی، پاره‌ای از این فرایندها را در قالب فرهنگ‌سازی عصر نزول و با توجه به محتوای آیات نازل‌شده در سور و آیات مکی و مدنی ارائه نموده است. در این مجال نیز مبتنی بر این قالب کلی و تحلیلی که در آغاز تحقیق از مفهوم فرهنگ و مؤلفه‌های اصیل آن انجام گرفت، فرایند فرهنگ‌سازی ارزش مقاومت در جامعه مبتنی بر آموزه‌های قرآنی تبیین و تحلیل خواهد شد.

۴-۱. نظام‌یافتگی مبانی نظری مقاومت بر مبنای جهان‌بینی الهی

(شکل‌گیری بینش و باور)

نخستین مرحله از فرایند مهندسی فرهنگی یک ارزش در جامعه دینی، دستیابی به مبانی نظری آن ارزش بر مبنای باور و بینش الهی (جهان‌بینی الهی) است. جهان‌بینی مجموع هست‌ها و نیست‌هایی است که مردم جامعه در تفسیر از نظام آفرینش مبتنی بر منابعی خاص پذیرفته‌اند. در واقع، این مرحله مهم‌ترین مرحله فرهنگ‌سازی در جریان فرایند مهندسی در جامعه است و از همین رو، تفاوت در سیاست‌گذاری‌ها در جوامع مختلف برای پیشرفت و توسعه، از مبانی نظری پذیرفته‌شده آن نظام و همچنین نوع نگاهی که مردم آن جوامع به نظام آفرینش و متعلقات آن دارند، نشئت می‌گیرد.

در راستای ترسیم فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت در جامعه، ناگزیر باید مبانی نظری و فلسفه قرآنی مقاومت مبتنی بر جهان‌بینی الهی و قرآنی به گونه‌ای تبیین شود که به طور منطقی بتوان از آن، ارزشی چون مقاومت را استنباط و استخراج نمود.

بر این اساس، در این بخش به سه مرحله با عنوان مبانی نظری مقاومت مبتنی بر جهان‌بینی الهی پرداخته می‌شود: مرحله اول، تبیین هندسه و فلسفه وجودی آفرینش به‌عنوان اولین قدم در ورود به مبحث ارزش مقاومت است؛ مرحله دوم، بحث آزمایش انسان به عنوان بستر رسیدن به فلسفه آفرینش و کمال مطلوب و نمود ارزش‌های انسانی در ابعاد مختلف است؛ مرحله سوم نیز به بحث تقابل بین حق و باطل و نمود و ظهور ارزش مقاومت در بین سایر ارزش‌ها در دو بعد فردی و اجتماعی می‌پردازد.

۴-۱-۱. مبنای اول: هندسه آفرینش و فلسفه‌های وجودی آفرینش در نظام آن

اولین مبنا از مبانی نظری مقاومت، دستیابی به هندسه آفرینش و فلسفه آفرینش جهان و در رأس آن آفرینش انسان است. رشد انسان و رسیدن او به سعادت حقیقی، نیازمند ابزار، اصول و آدابی است که انسان را در رسیدن به مقصد یاری دهد. یکی از این ابزارها و اصول، استفاده از مقاومت در تمامی شئون زندگی اجتماعی است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۲۰۰)، ذیل تبیین مفاهیم «اصْبِرُوا»، «صَابِرُوا» و «رَابِطُوا»، یکی از ابزارهای سعادت‌بخش جوامع را مقاومت معرفی کرده و جامعه سعادت‌مند را جامعه‌ای می‌داند که تمامی افراد در آن از نیروی مقاومت در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی بهره ببرند؛ زیرا تنها در این صورت است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود می‌رسد.

از طرفی تنها زمانی به مفهوم واقعی مقاومت و فرهنگ دینی مقاومت در جامعه نزدیک می‌شویم که مبانی، اصول، آداب و قواعد آن مبتنی بر باورهای دینی و جهان‌بینی الهی باشد.

بر این اساس، نقطه شروع و مبدأ حرکت به سمت جامعه‌ای با چنین تعریفی - که مقاومت با همه ابعاد در جمیع شئون آن گسترش یافته باشد، فهم هندسه آفرینش هستی و دستیابی به غرض آفرینش انسان و مبدأ و مقصد اوست؛ زیرا فلسفه و دلیل اهتمام قرآن کریم به اشاعه فرهنگ مقاومت، در واقع همان مؤلفه‌هایی است که خداوند متعال، جهان و در ذیل آن انسان را به دلیل و غرضی آن آفریده است.

از این رو، هدف از این بحث، شناخت فلسفه وجودی هستی در بینش قرآنی است تا از این مسیر، بستر پردازش فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت در جامعه به صورت روشن فراهم آید. با این مقدمه، در ادامه بحث به تبیین این مبنا پرداخته می‌شود.

در بینش قرآنی، خداوند متعال آفریدگار آسمان و زمین و هر چه میان آنهاست (سجده / ۴). خلقت انسان نیز از ناحیه اوست (رحمن / ۳). او پرورش‌دهنده جهانیان است (فاتحه / ۲) و مخلوقات خود را به بازی نیافریده و از آفرینش آنها، هدفی را دنبال می‌کند (ص / ۲۷). هدف‌دار بودن آفریدگار، نشان از هدف‌دار بودن آفرینش است. با

تأمل در آموزه‌های قرآن کریم، هدف از آفرینش در سطحی کلان، خود خداوند متعال است (نور/ ۴۲). برخی مفسران در تفسیر ﴿وَالِلَّهِ الْمَصِيرُ﴾، مرجعیت خداوند متعال را برای همهٔ امور و موجودات بیان می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۶/۱۵؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۶۸۸/۲). به عبارت دیگر، مبدأ و مقصد در نظام آفرینش، خداوند متعال است. همهٔ مخلوقات از اویند و به سوی او در حال حرکت‌اند.

اما در سطحی پایین‌تر و عینی‌تر، هدف از آفرینش نظام هستی، انسان بوده و نظام آفرینش با تمامی متعلقاتش برای انسان آفریده شده است؛ زیرا اولاً خداوند متعال همهٔ آنچه را در آسمان و زمین است، مسخر انسان ساخته است (جاثیه/ ۱۳)، چون برخی مفسران «تسخیر» را به معنای «آفریده شدن موجودات آسمان و زمین برای بهره‌برداری انسان از آن‌ها» معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۲/۹)؛ ثانیاً همهٔ آنچه در زمین و آسمان است، برای انسان آفریده شده است (بقره/ ۲۹).

حال باید دید که هدف از آفرینش انسان چه بوده است. در نگرش قرآنی، برای آفرینش انسان اهدافی بیان شده است که از آن جمله می‌توان به «آزمایش انسان برای مشخص نمودن نیکوکاران» اشاره نمود. خداوند به این مطلب، چنین اشاره می‌فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (ملک/ ۲).

از جمله دیگر اهدافی که در قرآن به آن اشاره شده، «رحمت الهی» است؛ همچنان که در آیاتی آمده است: ﴿... إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ (هود/ ۱۱۸-۱۱۹). این آیات، هدف از خلقت آدمی را رحمت الهی می‌دانند (همان: ۳۱۱/۵).

طبق آیات قرآن کریم، «پرستش خداوند متعال» را نیز می‌توان از جمله اهداف آفرینش انسان به شمار آورد؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/ ۵۶).

گاهی در چند آیه از آیات قرآن کریم، برای یک موضوع، چند هدف متفاوت ذکر می‌شود که بی‌شک آن اهداف در طول هم قرار دارند و یکی از آن‌ها، هدف عالی و نهایی است و سایر اهداف با حفظ جایگاه خود، در طول آن و مقدمهٔ دستیابی به آن هستند؛ برای مثال، اگر کسی می‌خواهد برای ملاقات دوستش به تهران برود، وقتی از او سؤال می‌شود: چرا سوار ماشین می‌شوی؟ او در جواب، هم می‌تواند بگوید که

می‌خواهد به تهران برود و هم می‌تواند بگوید که به ملاقات دوستش می‌رود. هر دو، هدف او هستند؛ اما یکی از آن دو هدف، در طول دیگری و مقدمه آن محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۳۴۴). در اینجا نیز سه هدف یادشده، یعنی «آزمایش انسان»، «رحمت الهی» و «پرستش»، نمی‌توانند هدف غایی آفرینش انسان باشند و خود در طول هدف نهایی دیگری قرار دارند؛ زیرا در طرح این اهداف برای آفرینش انسان، سؤال پیش می‌آید که خود این آزمایش، رحمت و پرستش برای چیست؟ در تبیین هدف غایی آفرینش انسان می‌توان به چند دسته از آیات قرآن کریم اشاره کرد:

۱- آیاتی که مبدأ و مقصد آفرینش انسان را خداوند متعال معرفی می‌نمایند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره / ۱۵۶).

۲- آیاتی که بیانگر ملاقات انسان با پروردگار خویش‌اند: ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ﴾ (یونس / ۴۵).

۳- آیاتی که به طور غیر صریح، جانشینی انسان برای پروردگارش را هدف خداوند متعال از آفرینش او معرفی می‌نمایند: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره / ۳۰). منظور از جانشینی خداوند متعال این است که او، پرتوی از صفات خویش را درون انسان به ودیعت گذارده است که با فعلیت یافتن این صفات بالقوه، انسان به والاترین مراتب رشد و بیشترین حالت نزدیکی به خداوند دست خواهد یافت. از همین روست که برخی اندیشمندان، منظور از خلافت انسان را «حقیقت انسان»، و هدف آفرینش نوع انسان را نیل به این حقیقت، که تجلی و ظهور واقعی آن در «انسان کامل» نمود یافته است، می‌دانند. بر این اساس می‌توان هدف از آفرینش انسان را «نیل به مقام انسان کامل» دانست (جوادی آملی، بی‌تا: ۴۰/۳؛ نصری، ۱۳۸۵: ۹۷).

۴- آیاتی که به جایگاه تقواگرایان در سرای آخرت اشاره دارند: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ (قمر / ۵۴-۵۵).

۵- آیاتی که به جایگاه ایمان‌آوردگان نزد خداوند متعال اشاره دارند: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (نساء / ۱۷۵).

از مجموع مفاهیم مطرح‌شده می‌توان نتیجه گرفت که انسان برای هدفی آفریده شده است که بعد از آفرینش باید به سمت آن حرکت کند. آیات «استرجاع» و

«ملاقات»، جهت‌گیری انسان را به سمت هدفی که دارد، یعنی خداوند متعال، نشان می‌دهند؛ اما از آنجایی که این هدف، مخصوص تمامی موجودات است (نور/ ۴۲)، کمالی برای انسان محسوب نمی‌شود. از این رو در این میان، انسان باید امتیاز دیگری داشته باشد. این امتیاز را آیات مربوط به خلافت انسان و جایگاه افراد باایمان و باتقوا نزد خداوند متعال بیان می‌کنند. به تعبیر دیگر، مفاهیم مطرح‌شده در این آیات، مفهوم «قرب الهی» را به عنوان هدف آفرینش انسان بیان می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۴).

پاره‌ای از روایات نیز همین مطلب را تأیید می‌کنند؛ از جمله این حدیث قدسی: «هیچ بنده‌ای با چیزی محبوب‌تر از واجبات به من نزدیک نمی‌شود. بنده همواره [مرحله به مرحله] با کارهای مستحب [افزون بر واجبات] به من نزدیک می‌شود تا آنجا که دوستش می‌دارم و چون محبوب من شد، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند و زبان او می‌شوم که با آن سخن می‌گوید و دست او می‌شوم که با آن اعمال قدرت می‌کند» (کلینی رازی، ۱۳۶۵: ۲/۳۵۲).

هدف یادشده برای آفرینش انسان در قرآن کریم با اهدافی که برای حیات و کمال انسان در دیگر مکاتب ارائه شده است، تفاوت مبنایی دارد. برای مثال، مکتب ارسطویی «اتصال به عقل فعال و فیلسوف بودن» (مطهری، بی‌تا: ۳۰۳-۳۰۵)، آگزیستانسیالیسم «آزادی مطلق» (همان: ۳۳۴/۱)، اریک فروم و پیروانش «به فعلیت درآوردن استعداد‌های انسان» (نصری، ۱۳۷۹: ۳۱۱)، گروهی «افزایش دانش بشر» (همان)، برخی «برخوردری از مواهب طبیعت» (مطهری، بی‌تا: ۲۸۹/۱) و عده‌ای نیز «قدرت» (همان: ۲۹۳/۱) را هدف حیات و غایت کمال انسان می‌دانند. این سطح تفاوت بینشی، خاستگاه تعدد و تنوع در زایش و رشد و نمو ارزش‌ها و هنجارها در جوامع بشری است.

بر این اساس با توجه به آنچه گفته شد، انسان یک مبدأ و مقصدی دارد و مقصد انسان چیزی است که به خاطر آن آفریده شده است و از طرفی گفته شد فلسفه آفرینش انسان که «قرب الهی» است، همان مقصد و غایت و به تعبیری سعادت حقیقی انسان است. بی‌تردید انسان در این مسیر، نیازمند ابزار و اصولی است تا بتواند در رسیدن به هدف از آن‌ها بهره‌برد. یکی از این ابزار، مقاومت است؛ مقاومتی که مبتنی بر بینش، باور و اعتقادات دینی و الهی باشد؛ زیرا تنها در این صورت است که انسان به

سعادت حقیقی و هدف آفرینش خود که همان قرب الهی است، نائل خواهد آمد. بنابراین رابطه بین مقاومت و فلسفه آفرینش انسان، یک رابطه متممی و مکملی در کنار سایر ابزارها برای رسیدن انسان به آن فلسفه آفرینش (قرب الهی) است.

از طرفی، شناخت هندسه آفرینش و فلسفه وجودی هستی، بستر پردازش فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت را مبتنی بر آموزه‌های الهی در جامعه فراهم می‌آورد.

۴-۱-۲. مبنای دوم: آزمایش انسان برای رسیدن به هدف آفرینش

در میان تمامی آفریده‌های خداوند، انسان برترین است؛ زیرا هدف از آفرینش او، برترین هدف است. این برتری در آفرینش و هدف و رسیدن به آن، مستلزم امتحانی است تا هر یک از افراد بشر مبتنی بر شایستگی‌هایش رشد یابد و به هدف آفرینشی که دارد، نزدیک شود (محمد/ ۳۱؛ ملک/ ۲). این آزمایش در حیات دنیوی انسان اتفاق می‌افتد؛ دنیایی که مبتنی بر ماده بنا شده و خاصیت ماده، تغییر و تحول است؛ یعنی سیر حرکت در آن گذرا و ناپایدار می‌باشد (غافر/ ۳۹). بی‌ثبات بودن دنیا و متعلقاتش، هماهنگی و مناسبت خاصی با آزمایش انسان دارد و از این رو خداوند متعال چنین دنیایی را با چنین خاصیتی، بستری برای آزمایش انسان قرار داده است.

از طرفی خداوند متعال، اصالت حیات را به زیست اخروی انسان اختصاص داده است (قصص/ ۶۰؛ عنکبوت/ ۶۴). این نوع نگرش، نفی کننده بینشی است که زیست دنیوی و رسیدن به آسایش و رفاه را در آن اصل قرار می‌دهد و معتقد به شکوفایی تمامی ظرفیت‌های انسان برای رسیدن به این هدف است (طه/ ۱۳۱؛ جاثیه/ ۲۴).

بنابراین زندگی در این دنیا فراز و فرود دارد؛ نه سختی مطلق در آن وجود دارد و نه رفاه و آسایش مطلق. مبتنی بر همین خصوصیت دنیا، خداوند متعال انسان را با سختی‌ها و آسودگی‌ها، بدی‌ها و نیکی‌ها می‌آزماید (بقره/ ۱۵۵؛ انبیاء/ ۳۵).

بر این اساس، هدف از این مبنا (آزمایش انسان)، رسیدن انسان به هدف آفرینش یعنی همان قرب الهی است. آزمایش انسان موجب شناخته شدن افراد صالح و ناصالح می‌شود و در نتیجه آن، ارزش‌های انسانی مفهوم و معنا می‌یابد. قرآن کریم به این نکته با لفظ «تمحیص» اشاره می‌فرماید: ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾

(آل عمران / ۱۴۱). به تعبیری با ابتلا و آزمایش، گوهرهای درونی انسان و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های او نمایان و تربیت می‌شود و رشد می‌یابد و انسان به قرب الهی که همان فلسفه آفرینش اوست، نزدیک می‌شود و در نتیجه آن، ارزش‌های فردی و اجتماعی نمود و ظهور پیدا می‌کنند.

۱-۳. مبنای سوم: تقابل حق و باطل، میدان آزمایش انسان

همان طور که گفته شد، دنیا بستر آزمون انسان است. طرحی که خداوند متعال برای این آزمون در بطن این بستر ارائه کرده، قرار دادن دو راه منتهی به سعادت و شقاوت پیش روی انسان است (بقره / ۲۵۶)؛ یک طرف ولایت «الله» و سمت دیگر، ولایت «طاغوت» است (بقره / ۲۵۷).

در بینش قرآنی، تمامی آنچه که به سمت خداوند متعال جهت‌گیری می‌کند، حق، و غیر آن باطل معرفی شده است (حج / ۶۲؛ محمد / ۳) و انسان آزاد و مختار است تا از میان دو راه حق و باطل انتخاب نماید (انسان / ۳). از همین رو، ظرفیت‌های لازم اعم از مثبت (شمس / ۸-۷) و منفی (ابراهیم / ۳۴؛ اسراء / ۱۱) برای انتخاب میان این دو راه، درون انسان نهاده شده و اختیار انسان نیز از لوازم این آزمون است.

نتیجه آنکه در نگاهی کلی در بینش قرآنی، مبدأ تمامی موجودات، خداوند متعال است و همه از او منشأ می‌گیرند. تدبیر آن‌ها نیز به وسیله او صورت می‌گیرد و در نهایت همه نیز به سوی او باز می‌گردند؛ یعنی مقصد و هدف غایی تمامی موجودات نیز خداوند متعال است. در این چرخه آفرینش، خداوند برتری وجود را به انسان اختصاص داده است. از همین رو در طول این چرخه، هدف میانی آفرینش آفریده‌های خویش را انسان، و هدف آفرینش انسان را خود معرفی نموده است. تبیین و تحلیل این چرخه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبانی نظری در متن فرهنگ‌سازی ارزشی در جامعه است. از طرفی، رسیدن انسان به آن مقصد و هدف غایی، مستلزم امتحانی است که همواره در میان دو راه حق و باطل برای انسان تعریف شده است تا هر یک از افراد بشر مبتنی بر شایستگی‌هایش رشد یافته و به هدف آفرینشی خود، نزدیک شود و تیرگی‌های باطنی او از بین رفته و برای خداوند خالص گردد. در بحث مقاومت نیز همین مطلب

صدق می‌کند؛ یعنی انسان آزمایش می‌شود تا ناخالصی‌هایش از بین برود و به هدف آفرینش خود نزدیک شود و ارزش‌های انسانی مانند: صداقت، دوستی، همکاری و تعاون و... و همچنین ارزش مقاومت، استقامت و صبر در مسیر الهی نمود می‌یابند. از طرفی در تقابل بین نیروهای حق و باطل به طور خاص ارزش مقاومت ظهور پیدا می‌کند؛ زیرا در طول تاریخ همواره بین حق و باطل تقابل بوده و خداوند متعال ارزش مقاومت در انحاء گوناگون را به عنوان راه حل و عامل دستیابی به پیروزی حق علیه باطل معرفی می‌کند. برای مثال، تقابل بین حق و باطل در حوزه فردی، همان مقابله نیروهای فطری و الهی با نیروهای شیطانی است و در بعد اجتماعی نیز تقابل خارجی بین جبهه حق و باطل در تمامی عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را می‌توان به شمار آورد. در این دو بعد، خداوند انسان را به گونه‌های مختلف مقاومت مانند: صبر و شکیبایی (انفال / ۶۵)، ثبات قدم در مسیر تقابل (انفال / ۴۵)، دفاع (آل عمران / ۱۶۷)، طاقت و تحمل (بقره / ۲۴۹) و در نهایت قتال و جهاد (بقره / ۱۹۰؛ عنکبوت / ۶۹) سفارش کرده است.

با توجه به آنچه گفته شد، در این بخش به سه مرحله به عنوان مبانی نظری مقاومت اشاره شد:

مرحله اول، دستیابی به هندسه آفرینش و فلسفه وجودی آفرینش بود؛ زیرا اولین قدم برای ورود به همه مباحث جامعه‌شناختی، فهم دقیق فلسفه آفرینش و در ذیل آن، آفرینش انسان است و در اینجا ناگزیر باید به این مطلب پرداخته شود. در این بخش گفته شد که خداوند متعال جهان را برای انسان و انسان را برای خدا و رسیدن به کمال حقیقی که همان قرب الهی است، آفریده است.

در مبنای دوم به بحث آزمایش به عنوان راه رسیدن به فلسفه آفرینش یعنی قرب الهی پرداخته شد. در واقع آزمایش انسان، بستری است که توسط آن تمامی ارزش‌های انسانی و الهی مانند: صداقت، حسن خلق، تعاون و همکاری و... و همچنین ارزش مقاومت، معنا و مفهوم پیدا کرده و پا به عرصه وجود می‌گذارند.

در مبنای سوم به تقابل بین حق و باطل پرداخته شد. این مرحله در حقیقت، ارزش مقاومت را از سایر ارزش‌های فردی و اجتماعی که در مرحله قبل گفته شد، متمایز و

جدا می‌کند و به طور خاص، ارزش مقاومت در نتیجه این مرحله آشکار می‌شود و خداوند انسان را به استقامت و پایداری در این تقابل دعوت می‌کند.

۲-۴. نظام ارزش‌گذاری مقاومت مبتنی بر باورهای قرآنی

در این مرحله از فرایند فرهنگ، ارزش مقاومت مبتنی بر مبانی ارائه‌شده در مرحله نخست، بار معنایی می‌یابد و مفهوم آن برای مخاطب با توجه به نظام معنایی مطرح‌شده در مرحله پیشین قابلیت پذیرش دارد. هر گاه هدف از آفرینش انسان تبیین شود و به دنبال آن، انسان برای رسیدن به این هدف مورد آزمایش قرار گیرد، همچنین زمانی که انسان بداند که این آزمایش در قالب رویارویی میان حق و باطل برای او صورت می‌گیرد، همه این‌ها مقدمه‌ای برای زایش ارزش مقاومت در این بستر معنایی است.

در بینش قرآنی، مقاومت با انتخاب مسیر حق، بار ارزشی می‌یابد؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ (فصلت / ۳۰). طبق این آیه، آنچه ایمان را بارور می‌سازد و به نتیجه می‌رساند، مقاومت است؛ زیرا چه بسیار مؤمنانی که بدعاقت شدند و این استقامت، تنها در کنار ایمان است که ارزش پیدا می‌کند؛ چرا که کفار نیز بر باطل خود استقامت دارند (قرآنی، ۱۳۸۳: ۳۳۶/۱۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه به این حقیقت اشاره می‌فرماید و به یاران خود یادآور می‌شود که شما با ایمان آوردن به خداوند، در واقع مسیر حق را انتخاب کرده‌اید و لازمه آن نیز استقامت و پایداری در آن مسیر است و بر شما جایز نیست که خلاف آن عمل کنید:

«شما گفتید: "پروردگار ما الله است". اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید، بر انجام دستورهای کتاب او و در راهی که فرمان داده و در طریق پرستش شایسته او، استقامت به خرج دهید، از دایره فرمانش خارج نشوید، در آیین او بدعت مگذارید و هرگز با آن مخالفت نکنید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷۶).

قرآن کریم همچنین با تعبیر «ایمان»، به مقاومت در راه خدا بار ارزشی می‌دهد. خداوند در قرآن به مؤمنانی که جهان‌بینی الهی را پذیرفته و به دین الهی ایمان آورده‌اند، سفارش می‌کند که در برابر مصائب و سختی‌ها و نبرد با دشمن، استقامت و پایداری

ورزند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۲۰۰). نکته قابل توجه در این آیه، مربوط به فعل «رابطوا» است. رابطه از نظر معنا اعم از مصابره است؛ چون مصابره عبارت است از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد، و رابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۲/۴). خداوند متعال در این آیه با آوردن عبارت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾، در واقع، بار ارزشی به استقامت و پایداری در راه حق داده و آن را مقید به ایمان نموده است؛ زیرا در سایه ایمان است که انسان به کمالات می‌رسد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۳۴/۲).

انسان با پای نهادن در مسیر عبودیت و مواجهه با انواع تضادها، طاغوت‌ها و مشکلات فراوان، نیازمند صبر و استقامت بوده (همان: ۲۹۳/۷) و به آن به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به فلسفه آفرینش خود ارزش می‌بخشد. خداوند متعال در آیه زیر به این حقیقت اشاره می‌فرماید: ﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾ (مریم / ۶۵).

عبودیت خداوند متعال، مصداق عینی مسیر حق است و مقاومت با انتخاب این مسیر، بار ارزشی می‌یابد. به تعبیر دیگر، مسیر حق و ارزش مقاومت ملازم یکدیگرند. توضیح آنکه بنای آفرینش انسان مبتنی بر قاعده لطف الهی، از ابتدا بر پیمودن راه حق و عبودیت خداوند متعال برای رسیدن به قرب الهی بوده است (انعام / ۱۶۲: ذاریات / ۵۶). خداوند متعال با وجود اینکه دو راه را پیش روی انسان برای آزمایش او قرار داده، اما همواره بسترهای هدایتی خویش را نیز برای او گسترده است تا بدین وسیله راهی را انتخاب نماید که خیر او در آن باشد و او را به فلسفه آفرینشش نزدیک نماید (طه / ۵۰: عنکبوت / ۶۹: انسان / ۳).

از طرفی با وجود بسترهای متعدد هدایتی، مجموعه‌ای از عوامل وجود دارند که در راستای راستی‌آزمایی انسان برای رسیدن به هدف حیات، امکان گمراهی و انحراف انسان را از مسیر حق فراهم می‌آورند. این عوامل را می‌توان به دو دسته استعدادها و بسترهای منفی درونی (یوسف / ۵۳: ابراهیم / ۳۴: اسراء / ۱۱: معارج / ۱۹)، و ظرفیت‌ها و بسترهای

منفی بیرونی وجود انسان (کهف/ ۷؛ فاطر/ ۵؛ ص/ ۸۲؛ جاثیه/ ۳۵؛ ناس/ ۱-۶) تقسیم نمود. مجموع این عوامل درونی و بیرونی در بستر آزمون الهی، امکان انحراف انسان را از مسیر اصلی حیاتش فراهم می‌آورد. این انحراف گاهی از غفلت و نیاززدگی انسان ناشی می‌شود و گاهی مربوط به خستگی انسان در گذر از مسیر حق است. مبتنی بر همین قاعده در نگرش قرآنی، ارزش مقاومت یکی از لوازم اصیل مسیر حق معرفی می‌شود که باید در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی انسان، تبیین و فرهنگ‌سازی شود. در همین راستا به منظور تبیین این ارزش و گفتمان‌سازی آن، در مرحله دوم فرایند مهندسی فرهنگ آن در جامعه، لازم می‌آید به پاره‌ای از مصادیق و وجوهی که قرآن کریم، مؤمنان به راه حق را دعوت به مقاومت در برابر آن می‌کند، اشاره کرد. از جمله این موارد عبارت‌اند از:

۴-۲-۱. مقاومت در جهت پیشبرد اهداف الهی

خداوند متعال در آیاتی، مؤمنان را به مقاومت در جهت پیشبرد اهداف الهی دعوت نموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/ ۱۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۱۹۶)؛ ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نحل/ ۱۱۰؛ همان: ۱۲/۳۵۶)؛ ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ (مدثر/ ۷). برخی مفسران «صبر» در این آیه را به «شکیبایی و مقاومت پیامبر ﷺ در راه انجام رسالتش در مقابل آزار دشمنان، مقاومت در راه عبودیت الهی، جهاد با نفس و دشمنان» تفسیر کرده‌اند (همان: ۲/۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵/۲۱۶).

۴-۲-۲. مقاومت در مسیر هدایت جامعه

از جمله مواردی که به مقاومت در آن سفارش شده است، مقاومت در مسیر هدایت الهی و رساندن حکم خداوند متعال به مردم جامعه است. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (سجده/ ۲۴). در این آیه شریفه، واژه «صَبَرُوا» به مفهوم صبر در راه دین خدا و مقاومت و شکیبایی در امر هدایت از سوی پیامبران گفته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۲۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۲۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۱۶۷).

خداوند در آیه‌ای، پیامبر ﷺ را به استقامت در برابر هر کافر و گناهکار و عدم اطاعت از آنان فرمان می‌دهد: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا﴾ (انسان / ۲۴). خداوند متعال در این آیه به پیامبر ﷺ سفارش می‌کند که در برابر مشکلات و موانع راه و کثرت دشمنان و سرسختی آن‌ها در مسیر هدایت و امر دعوت، صبر و شکیبایی داشته باشد، اگرچه مورد تکذیب واقع شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۲۶/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۷/۲۵).

همچنین در جای دیگر ضمن توصیه به صبر و استقامت در راه ابلاغ حکم پروردگار، به پیامبر ﷺ و همه مؤمنان دلگرمی داده و ایشان را تحت حفاظت خود قرار می‌دهد: ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ (طور / ۴۸). خدای متعال در این آیه به پیامبر ﷺ دستور داده است تا در برابر حکم الهی در مسیر دعوت که مستلزم تحمل اذیت‌ها و آزارهاست، صبر و استقامت کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۷/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۷/۲۲).

۳-۲-۴. مقاومت در برابر تکذیب و آزارهای اهل باطل

خدای متعال در قرآن کریم مؤمنان را به مقاومت در برابر آزارها و اذیت‌های جبهه باطل دعوت می‌کند و می‌فرماید: ﴿لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران / ۱۸۶). این آیه شریفه به مؤمنان سفارش می‌کند که در برابر تکذیب‌ها، آزارها و اذیت‌ها استقامت به خرج دهند و شکیبا باشند و همچنین تقوا و پرهیزکاری پیشه نمایند؛ زیرا این از کارهایی است که نتیجه آن روشن است و لذا هر انسان عاقلی باید تصمیم انجام آن را بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۵/۳).

خداوند در فرازی دیگر از قرآن کریم، اهل حق را به مقاومت در برابر تکذیب دشمنان توصیه می‌نماید: ﴿وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَيَّ مَا كَذَّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ...﴾ (انعام / ۳۴): «پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و در برابر تکذیب‌ها، صبر و استقامت کردند و [در این راه] آزار دیدند تا هنگامی که یاری ما به آن‌ها رسید و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد...».

۴-۲-۴. مقاومت نظامی در برابر دشمنان خدا

استقامت در میدان نبرد با دشمنان خدا، از جمله مواردی است که قرآن کریم به آن سفارش کرده است. خدای متعال در آیه‌ای، هر یک از مؤمنان را به مقاومت در برابر ده نفر تشویق می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِزْبًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكُونُوا مَعَكُمْ عِتْرًا مِّنْكُمْ لِيُقَرَّبُوا إِلَيْكُمْ فَيَكُونُوا مَعَكُمْ عِتْرًا مِّنْكُمْ لِيُقَرَّبُوا إِلَيْكُمْ فَيَكُونُوا مَعَكُمْ عِتْرًا مِّنْكُمْ﴾ (انفال / ۶۵). خدای متعال در این آیه، این مقاومت ده برابری در برابر نیروهای کفار را با جمله ﴿بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ تعلیل می‌کند و سرش هم این است که مؤمنان در هر اقدامی که می‌کنند، اقدامشان ناشی از ایمان به خداست و ایمان به خدا نیرویی است که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد؛ چون به‌دست آوردن نیروی ایمان مبنی بر فهم صحیح است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۳/۹).

خداوند در آیه بعد به سبب پیدایش ضعف در مؤمنان، به ایشان تخفیف داده، می‌فرماید: ﴿الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال / ۶۶). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه در جمله ﴿وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا﴾، منظور از ضعف را ضعف در صفات روحی می‌داند و می‌فرماید که ضعف در صفات روحی به ضعف در ایمان منتهی می‌شود؛ زیرا که همه صفات پسندیده موجب فتح و ظفر می‌شود و شجاعت و صبر و استقامت نیز از آن سرچشمه می‌گیرد (همان: ۱۲۴/۹).

۴-۲-۵. مقاومت در برابر مشکلات و مصائب دنیوی

یکی دیگر از مواردی که در قرآن کریم به مقاومت در برابر آن سفارش شده، استقامت در برابر مشکلات و مصائب دنیوی است. قرآن کریم از قول لقمان عَلَيْهِ السَّلَام به فرزندش می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان / ۱۷)؛ «پسر! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد، شکیبا باش که این از کارهای مهم است».

خداوند همچنین به استقامت پیشگان در برابر مشکلات دنیوی بشارت داده، می‌فرماید: ﴿وَلَتَبْلُؤَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾

(بقره/ ۱۵۵): «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوهها آزمایش می‌کنیم و به استقامت‌کنندگان بشارت ده».

دقت در وجوه یادشده و مطالبی که پیشتر گذشت، نکاتی چند را تأکید می‌کند:
الف) مسیر حق و باطل مبتنی بر طبیعت آفرینش در تمامی عصرها وجود داشته است؛
ب) مسیر حق با آزمایش‌های الهی در سطوح مختلف ملازمت دارد. به تعبیر دیگر، مسیر حق ابتلاخیز است؛

ج) مسیر باطل، خاصیت فریبندگی و مانع‌شوندگی دارد و اهل آن اهل حق را برنمی‌تابند؛

د) مقاومت با انتخاب مسیر حق بار ارزشی پیدا می‌کند؛
د) مقاومت هم در بُعد نرم‌افزاری امکان‌شکل‌گیری دارد، مانند: مقاومت در برابر اندیشه، گفتار و آزارهای نرم اهل باطل؛ و هم در بُعد سخت‌افزاری، مانند: مقاومت در میدان جنگ؛

ه) مقاومت هم در بُعد فردی مطرح است، مانند: مقاومت در برابر هوس‌ها و خواهش‌های نفسانی؛ و هم در بُعد اجتماعی، مانند: هم‌دلی یک ملت در حوزه‌های مختلف نظام اجتماعی از جمله: میدان جنگ، فرهنگ، اقتصاد و....

۳-۴. نمودیافتگی ارزش مقاومت در مجموع کنش‌ها و رفتارهای فردی

و اجتماعی جامعه

در این مرحله از فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت در جامعه، بعد از طرح مبانی نظری مقاومت و زایش این ارزش از متن این مبانی، باید شاهد نمود این ارزش در گفتار، رفتار و حالات فردی و اجتماعی جامعه بود. این نمود باید در گذر زمان در متن جامعه نهادینه و مرسوم شده باشد. گستره این نمودیافتگی باید تا به وجود آمدن نمادها و فناوری‌های علمی و اجتماعی هم رسیده باشد.

نکته‌ای دیگر که در این مرحله باید بدان توجه نمود، چگونگی گذار یک ارزش در فاصله میان نظر تا اقدام و نمود است. این فرایند گذار، مستلزم باور عمیق به آن ارزش و یک نظام انگیزشی و محرک برای پر کردن این فاصله است. در همین راستا می‌توان

برای نمودیافتگی ارزش مقاومت در جامعه، به بخشی از نظام انگیزشی و محرکی که قرآن کریم روی آن‌ها تأکید نموده است، اشاره کرد:

۱-۳-۴. پاداش الهی

از جمله موارد انگیزشی خداوند برای صابران و مقاومت‌کنندگان در راه حق، وعده اجر و پاداش فراوان است. خداوند در قرآن به صابران وعده داده که بر خلاف سایر مردم، به حساب اعمالشان رسیدگی نمی‌شود و نامه اعمالشان بازنمی‌گردد و اجرشان همسنگ اعمالشان نیست و به ایشان اجری داده نمی‌شود، مگر اعطایی بی حساب (همان: ۲۴۴/۱۷): «آنجا که می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر/ ۱۰). نیز خداوند به مؤمنانی که در برابر آزار و اذیت‌های مردم استقامت ورزیده و بدی‌های ایشان را با درپیش گرفتن مقاومت و حلم و بردباری دفع می‌کنند (همان: ۵۵/۱۶)، دو بار پاداش می‌دهد: زیرا می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ الَّتِي سَيِّئَةٌ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (قصص / ۵۴).

این پاداش از هر دو وجه دنیوی و اخروی برخوردار است. پاداش حقیقی مربوط به حیات اخروی است که از جمله مصادیق آن عبارت است از: بهشت (انسان / ۱۲) و مغفرت الهی (هود / ۱۱؛ نحل / ۱۱۰). خداوند در کنار پاداش اخروی برای مقاومت، پاداش دنیوی نیز قرار داده است؛ همچنان که تقوای حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام و شکیبایی او در مسیر حق، او را به مقام عزیزی مصر رساند: ﴿قَالُوا أَلَيْكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (یوسف / ۹۰).

۲-۳-۴. امداد و نصرت الهی

خداوند متعال به صابران و مؤمنانِ مقاوم و پایدار در راه حق، وعده امداد و نصرت داده، می‌فرماید: ﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعَمَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ (آل عمران / ۱۲۴). خداوند می‌فرماید که اگر بر جهاد و انجام امر خدا استقامت بورزید و صبور باشید، به شما نصرت خواهد داد و پنج هزار فرشته به کمک شما خواهد فرستاد (همان: ۹/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲۹/۲).

خداوند در سوره انعام نیز به پیامبر ﷺ و مؤمنان سفارش می‌کند تا رسیدن یاری از طرف خداوند، در برابر دشمنان استقامت ورزند: ﴿وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا وَلَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ﴾ (انعام / ۳۴).
 خداوند در اینجا به پیامبر ﷺ امر می‌فرماید که در برابر کافران قوم، مثل انبیای دیگر مقاومت و صبر کند، تا وقتی که خداوند او را یاری کند و بر آنها پیروز گردد و در ادامه به بیان نتیجه صبر و استقامت، وعده الهی به یاری آن حضرت و تأکید بر نصرت و حتمی بودن آن اشاره می‌کند و به رسولش اطمینان می‌دهد که به وعده‌ای که نسبت به یاری او داده است، عمل خواهد کرد؛ زیرا بر خداوند روا نیست که دروغ بگوید یا خلف وعده کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۵۷/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۴/۷).

۳-۳-۴. وعده پیروزی بر دشمنان

خداوند در قرآن به مؤمنانی که در راه خدا استقامت و پایداری ورزند، وعده پیروزی داده است، حتی اگر دشمنان از لحاظ تعداد نیروها و امکانات جنگی برتر باشند؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ عَلَبْتَهُ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره / ۲۴۹) و یا این سخن خداوند: «... اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند: "چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران و استقامت‌کنندگان است"». خداوند در سوره انفال نیز به این وعده الهی اشاره نموده، می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (انفال / ۶۵). البته این مورد، خود مصداقی از امداد و نصرت الهی است که در مورد پیشین مطرح شد و اینجا به دلیل اهمیت آن، به صورت موردی مستقل آمد.

۴-۳-۴. عدم وجود ترس و اندوه در افراد و جوامع استقامت‌کننده

از دیگر محرک‌های انگیزشی که باعث نمود ارزش مقاومت در جامعه خواهد شد، اثر از بین بردگی ترس و اندوه است. خداوند در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ لَمْ نَسْتَقِمْ أَفَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف / ۱۳). قرآن کریم این نبود ترس و اندوه

را الهامی از جانب خداوند متعال شمرده، می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت / ۳۰). این آیه شریفه از آینده‌ای که در انتظار مؤمنان است و ملائکه با آن به استقبال ایشان می‌آیند، خبر می‌دهد و آن آینده، تقویت دل‌ها و دلگرمی آنان و بشارت به کرامت است. در حقیقت، ملائکه ایشان را از ترس و اندوه ایمنی می‌دهند. ترس از مکروه و یا عذابی است که احتمال پیش آمدن دارد، و حزن و اندوه نیز از مکروهی است که واقع شده و از آن اندوهگین می‌گردند. به تعبیری دیگر، ملائکه ایشان را بشارت می‌دهند که نه غم گذشته و نه حزن و ترسی از آمدن ناگواری در آینده خواهند داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۱/۱۷).

۴-۳-۵. همراهی خداوند متعال با جوامع استقامت‌کننده

خداوند در آیاتی از قرآن، وعده همراهی خویش با جوامع استقامت‌کننده را داده است. اگرچه خداوند با هر کس و در هر جایی حضور دارد (حدید/۴)، و لکن همراهی خدا با صابران، معنای خاصی دارد و آن لطف، محبت و یاری‌رسانی خداوند به صابران است (قرآنتی، ۱۳۸۳: ۱/۲۳۸). خداوند در جای دیگر به این همراهی اشاره نموده، می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۳). همچنین در آیه‌ای دیگر نیز مسلمانان را به اطاعت از رهبر جامعه و دوری از نزاع و اختلاف و همچنین داشتن صبر و استقامت در این راه توصیه نموده و به ایشان وعده همراهی می‌دهد: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال/۴۶). قرآن کریم در این آیه، دستور به استقامت در برابر دشمنان و در برابر مصائب و ناملایمات جنگی و در مقابل حوادث سخت را می‌دهد و می‌فرماید: «استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است» و این استقامت و صبر بیشتر جنبه‌های روانی و باطنی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۷/۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۶/۹).

۴-۳-۶. حفاظت خداوند متعال از جوامع استقامت‌کننده

در امنیت بودن مسلمانان در برابر نقشه‌های شوم دشمنان، مشروط به استقامت و

هوشیاری و داشتن تقواست و تنها در این صورت است که امنیت آن‌ها تضمین گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۶/۳). خدای متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ (آل عمران / ۱۲۰). خدای متعال به مؤمنان وعده می‌دهد که اگر بر اذیت کفار و اطاعت خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا پایداری و استقامت ورزند و با امتناع از گناهان و انجام طاعات، از خدا بترسند، هیچ ضرری به آن‌ها نرسیده و در امان خواهند بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲۴/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۴).

۴-۳-۷. محبت خداوند نسبت به جوامع استقامت‌کننده

از دیگر موارد انگیزشی که خداوند برای جوامع استقامت‌کننده قرار داده است، محبت خود نسبت به ایشان است. بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین و لذت‌بخش‌ترین نعمت‌هایی که به هر انسان مؤمن داده می‌شود، محبت خداوند نسبت به اوست و خداوند متعال، این محبت را به استقامت‌پیشگان وعده فرموده، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَكَايِئٌ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْبٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران / ۱۴۶): «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد». در این آیه، نکته ظریفی وجود دارد که باید به آن توجه نمود و آن اینکه یکی از متغیرهای نزدیکی انسان به خداوند متعال، وسعت دامنهٔ علاقه و حبیبی است که خداوند متعال به انسان دارد. مقاومت مؤمن یکی از این متغیرهاست.

۴-۳-۸. اطمینان به پیروزی نهایی حق علیه باطل

یکی از بزرگ‌ترین محرک‌های انگیزشی که خداوند متعال به کسانی که در مسیر حق پایداری می‌ورزند، وعده داده است، اطمینان به پیروزی نهایی جبهه حق و نابودی باطل است: ﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف / ۱۳۷). در این آیه، اگرچه سخن از بنی اسرائیل و سرانجام استقامت آن‌ها در برابر فرعونیان به میان آمده، ولی به طوری که از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود، این

موضوع اختصاص به قوم و ملتی ندارد، بلکه هر جمعیت مستضعفی به پا خیزند و برای آزادی خود از جنگال اسارت و استعمار بکوشند و در این راه، استقامت و پایمردی نشان دهند، سرانجام پیروز خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۰/۶). به عبارتی دیگر، حمایت خداوند از مستضعفان، مخصوص بنی اسرائیل نیست، بلکه یک سنت دائمی است و شرط پیروزی، صبر و مقاومت در این مسیر است. مستضعفان و ملتی که صابر و مقاوم باشند، وارث زمین می شوند (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۶۲/۴).

مواردی که گذشت، به همراه هم، نظامی انگیزشی را شکل می دهند تا به واسطه آن، ارزش مقاومت در متن جامعه نمود یابد. دقت و تأمل در این موارد، نکاتی چند را یادآوری می کند:

اول: ارزش مقاومت از یک پشتوانه نیرومند متافیزیکی برخوردار است که در بسیاری از موارد، با نگرش واقع گرایی عصر حاضر تعارض ایجاد می کند؛ از این رو پذیرفتن آن، یک بستر قوی عقیدتی را می طلبد؛

دوم: مسیر باطل، شکننده است و فرجام دنیا از آن اهل حق است؛

سوم: انرژی و نیروهای فراماده در دنیا وجود دارند و امکان استفاده انسان از آنها وجود دارد؛

چهارم: کشف و دستیابی به این قدرت فراماده یک سرمایه اجتماعی بزرگ است که باید در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه گیری

با توجه به پژوهش حاضر، نتایج زیر به دست آمد:

۱- فرهنگ، نظام وحدت یافته بینش ها، گرایش ها، باورها، ارزش ها و هنجارهای بشری ناظر به حقوق بنیادی انسان است که به عنوان مبنا و شیوه الگوی زیست مرسوم انسانی پذیرفته شده اند و دستمایه ایجاد هر گونه تمدن و پیشرفت است.

۲- مقاومت، به ادب پایداری و ایستادگی انسان در عرصه های گوناگون حیات فردی و اجتماعی در مسیر حق در برابر انواع نامالایمات، رنج ها و مشکلات در نتیجه یک خودآگاهی و هدف داری معطوف به رشد گفته می شود که رشد و کمال انسان و

جامعه انسانی را به دنبال دارد.

۳- فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت در جامعه مبتنی بر یک فرایند سه مرحله‌ای

است:

الف) مرحله اول فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت شامل نظام‌یافتگی مبانی نظری مقاومت بر مبنای جهان‌بینی الهی که با ترسیم هندسه آفرینش مبتنی بر سه مؤلفه خدا، انسان و جهان و فلسفه و چرایی وجود آن‌ها، آزمایش انسان برای رسیدن به رشد و هدف حیات و پیش روی نهادن دو مسیر حق و باطل در متن این آزمایش صورت می‌گیرد.

ب) مرحله دوم فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت شامل زایش ارزش مقاومت مبتنی بر مبانی نظری قرآنی که با تبیین مصادیق و وجوه قرآنی آن در جامعه، از جمله مقاومت بر جهت‌گیری الهی، مقاومت در مسیر هدایت الهی و رساندن حکم الهی به مردم جامعه، مقاومت در برابر تکذیب و آزارهای اهل باطل، مقاومت در برابر مصائب و مشکلات دنیوی و مقاومت در جنگ با دشمنان خدا، گستره آن تعیین می‌گردد.

ج) مرحله سوم فرایند مهندسی فرهنگ مقاومت شامل نمودیافتگی ارزش مقاومت در مجموع کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی جامعه که با تبیین نظام انگیزشی مؤلفه‌های قرآنی گذار این ارزش در فاصله میان نظر تا اقدام تحقق عینی می‌یابد: از جمله: پاداش الهی، نصرت الهی، سنت غلبه گروه کوچک مقاوم بر گروه‌های بزرگ، همراهی، حمایت، محافظت و محبت خداوند متعال از جوامع استقامت‌کننده و راه نیافتن ترس و اندوه در این جوامع، سرانجام نیک اهل حق و نابودی اهل باطل.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، شرح ناصر مکارم شیرازی.
۳. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران، آگاه، ۱۳۸۱ ش.
۴. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابوحيان اندلسی غرناطی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق محمد جمیل صدقی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱ ش.
۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی (ترجمه المنجد الابدی)، ترجمه رضا مهیار، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۸. پوستین‌چی، زهره، «انقلاب اسلامی ایران و برسازای هنجار سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۹. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. جانسون، لزلی، از ماتوی آنزولد تا ریموند ویلیامز؛ منتقدان فرهنگ، ترجمه ضیاء موحد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. جعفری، علی‌اکبر، و سیدمحمدجواد قربی، «راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، بی‌تا.
۱۳. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت، دار الجیل الجدید، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. حسینی پور سی سخت، نیکنام، فرهنگ، فعالیت فرهنگی و صنایع فرهنگی، تهران، زیتون سبز، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. حمزه‌ای، مهدیس، زهرا جانجانی، و پردیس حمزه‌ای، «طراحی الگوی مقاومت»، فصلنامه مطالعات علوم قرآن، سال دوم، شماره ۳ (پیاپی ۵)، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، خلاصه سیره نبوی «منطق عملی»، تهران، دریا، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. سعادت، عوضعلی، نقش اسلام در توسعه فرهنگی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۹ ش.
۲۱. سلیمی، حسین، فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. شیروودی، مرتضی، جهانی‌سازی در عرصه فرهنگ و سیاست، قم، زمزم هدایت، ۱۳۶۸ ش.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

۲۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۲۸. قرشی، سیدعلی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۲۹. همو، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۳۱. مخبر دزفولی، محمدرضا، محمد اسحاقی، حمیدرضا حاتمی، و محمد عظیمی طرقدری، «واکاوی تهدیدات فرهنگی ماهواره‌ای و تدوین راهبردهای مقابله»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *مشکات (مجموعه آثار حضرت آیه‌الله مصباح): به سوی او*، تحقیق محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۳۳. همو، *مشکات (مجموعه آثار حضرت آیه‌الله مصباح): خودشناسی برای خودسازی / به سوی خودسازی*، تحقیق کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷ ش.
۳۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه یادداشت‌ها*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۵. معین، محمد، *فرهنگ معین*، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۷. میرقادر، سیدفضل‌الله، و حسین کیانی، «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، *فصلنامه مطالعات متون اسلامی*، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۳۸. نصری، عبدالله، *مبانی انسان‌شناسی در قرآن*، چاپ سوم، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ ش.
۳۹. نظرپور، محمدتقی، *ارزش‌ها و توسعه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. نولان، پاتریک، و گرهارد لِنسکی، *جامعه‌های انسانی (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان)*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی، ۱۳۸۰ ش.